

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی

بررسی رابطه بین تورم و فقر در ایران در سال های پس از انقلاب اسلامی

استاد راهنما :

دکتر احمد کتابی

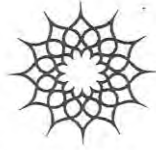
استاد مشاور:

دکتر ابراهیم التجائی

پژوهشگر:

محمد علی بکرایی

خرداد ماه ۱۳۹۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۸

پایان نامه تحصیلی آقای محمد علی بکرایبی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی

تحت عنوان:

بررسی رابطه بین تورم و فقر در ایران در سال های پس از انقلاب اسلامی

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه خوب به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر احمد کتابی با مرتبه علمی استاد درد امضا

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر ابراهیم التجایی با مرتبه علمی استادیار درد امضا

۳. استاد داور مدعو، آقای دکتر مهدی تقوی با مرتبه علمی استاد درد امضا

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

پاسگزارى

سپاس خداوندی را سزاست که اولین سخن خود را با آخرین فرستاده‌اش با امر به خواندن آغاز کرد.

اکنون که به لطف بی پایان خداوند این مرحله از تحصیل خویش را به پایان می‌رسانم، صمیمانه-ترین قدردانی‌ها را به:

پدر بزرگوار و مادر مهربانم که با تشویق‌ها و دعا‌های خویش همواره یاری بخش من بوده‌اند.

خواهر عزیز و فداکارم که انجام این مطالعه بدون بردباری و حمایت‌های او ممکن نبود.

تقدیم می‌دارم.

همچنین، با نهایت فروتنی از زحمات جناب آقای دکتر احمد کتابی که به عنوان استاد راهنما در مراحل مختلف این تحقیق با راهنمایی‌های خویش اینجانب را مورد لطف و حمایت خویش قرار دادند، تقدیر می‌نمایم. از جناب دکتر ابراهیم التجائی، هم، که در سمت استاد مشاور با پیشنهادات خویش در انجام این پایان‌نامه مرا یاری فراوان رساندند، و نیز از جناب آقای دکتر مهدی تقوی که در سمت استاد داور، رهنمودهای بسیار مفیدی ارائه کردند صمیمانه تشکر می‌کنم.

در ضمن، از تمامی همراهان و هم‌کلاسی‌های عزیزم، به خصوص دوست ارجمندم جناب آقای محمد ارباب‌افضلی که در طول مدت نگارش این پایان‌نامه از راهنمایی‌ها و کمک‌هایشان بسیار بهره‌بردم نیز کمال تشکر و قدردانی را به جا می‌آورم.

تقدیم به:

پدر بزرگوار و مادر مهربانم

که شادی، بخش زندگی‌م و تکیه‌گاه همیشگی‌ام برای زیستن هستند

و

خواهر عزیزم

که لحظه‌های شیرین با او بودن را هیچ‌گاه از یاد نخواهم برد.

چکیده

همواره از میان متغیرهای کلان اقتصادی، متغیر تورم و از بین عمده‌ترین متغیرهای اجتماعی، پدیده فقر از اهمیت خاصی در نظر سیاست‌گذاران جوامع مختلف برخوردار بوده‌اند. این پایان‌نامه به بررسی اثرات تورم بر روی وضعیت فقر در طی دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ در ایران می‌پردازد. در این مطالعه با در نظر گرفتن اثر گذاری تورم در سه حوزه خوراک پوشاک و مسکن (به عنوان نیازهای اساسی سه گانه اساسی تمامی طبقات جامعه) اقدام به بررسی اثر تغییر قیمت در هر یک از این سه حوزه بر وضعیت فقر در ایران پرداختیم. در این راستا در هر یک از زیر بخش‌های یاد شده اقدام به تصریح و تخمین یک رابطه خطی نمودیم که در تمامی آن‌ها علاوه بر وجود متغیرهای اصلی تحقیق (نرخ تورم، شاخص شکاف فقر) متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد به عنوان دو کانال اصلی اثرگذار بر وضعیت فقر، همچنین متغیرهای بیکاری و نرخ رشد دستمزد کارگران ساده به عنوان سدیگر متغیرهای اثرگذار بر فقر را نیز وارد مدل نمودیم. نتایج حاصل از تخمین هر سه مدل به روش OLS حاکی از اثر مثبت افزایش تورم بر شاخص شکاف فقر است، همچنین مشخص گردید که رشد اقتصادی بالاتر منجر به کاهش شاخص شکاف فقر و افزایش ضریب جینی (وخیم‌تر شدن وضعیت توزیع درآمد) منجر به افزایش شاخص شکاف فقر در سال‌های پس از انقلاب در کشور شده است.

فهرست مطالب

چکیده شش

فصل اول: کلیات تحقیق

۱.۱. مقدمه	۱۲
۲.۱. بیان مسئله	۱۳
۳.۱. اهمیت، ضرورت و هدف از انجام این تحقیق	۱۴
۴.۱. سؤال‌ها و فرضیه های تحقیق	۱۵
۵.۱. روش انجام پژوهش	۱۵
۶.۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	۱۵
۷.۱. قلمرو تحقیق	۱۶
۸.۱. سازماندهی تحقیق	۱۶

فصل دوم: مروری بر تعاریف و مفاهیم تحقیق

۱.۲. مقدمه	۱۸
۲.۲. تورم	۱۸
۱.۲.۲. تعریف تورم	۱۸
۲.۲.۲. اشکال تورم	۱۹
۱.۲.۲.۲. تورم تعدیلی	۱۹
۲.۲.۲.۲. تورم مارپیچی (حلزونی)	۱۹
۳.۲.۲.۲. تورم پولی	۲۰
۳.۲.۲. نظریات اقتصادی در خصوص منشأ تورم	۲۲
۱.۳.۲.۲. نظریهٔ مقداری پول	۲۲
۲.۳.۲.۲. معادلهٔ مبادلهٔ فیشر	۲۲
۳.۳.۲.۲. معادلهٔ کمبریج	۲۳
۴.۳.۲.۲. نظریهٔ جدید مقداری پول (پولیون)	۲۳
۵.۳.۲.۲. الگوی شکاف تورمی کینز	۲۴
۶.۳.۲.۲. الگوی فشار هزینه	۲۴
۷.۳.۲.۲. الگوی تورم از دیدگاه ساختارگرایان	۲۵
۳.۲. فقر	۲۵
۱.۳.۲. تعریف فقر	۲۷

۲۹	۲.۳.۲. تعریف خط فقر
۲۹	۳.۳.۲. روش‌های اندازه‌گیری فقر
۳۰	۱.۳.۳.۲. مطالعات بودجه خانوار:
۳۱	۲.۳.۳.۲. اندازه‌گیری خط فقر:
۳۲	۴.۳.۲. معیارهای اندازه‌گیری فقر
۳۳	۵.۳.۲. شاخص‌های فقر
۳۳	۱.۵.۳.۲. شاخص نسبت افراد فقیر
۳۴	۲.۵.۳.۲. شاخص شکاف فقر
۳۴	۳.۵.۳.۲. شاخص نسبت شکاف درآمد
۳۵	۴.۵.۳.۲. شاخص فقر سن (S)
۳۶	۵.۵.۳.۲. شاخص‌های فقر فاستر، گریر و توربک (F-G-T)
۳۸	۶.۳.۲. عوامل ایجاد کننده فقر
۳۹	۱.۶.۳.۲. علل تاریخی
۳۹	۲.۶.۳.۲. علل طبیعی و جغرافیایی
۴۰	۳.۶.۳.۲. علل فرهنگی و اجتماعی
۴۰	۴.۶.۳.۲. عوامل سیاسی فقر
۴۱	۵.۶.۳.۲. دلایل اقتصادی فقر
۴۵	۴.۲. جمع‌بندی

فصل سوم: مبانی نظری و تجربی ارتباط میان تورم و فقر

۴۷	۱.۳. مقدمه:
۴۷	۲.۳. ارتباط میان فقر با رشد و توزیع درآمد
۵۳	۳.۳. ارتباط میان تورم و رشد اقتصادی
۵۳	۱.۳.۳. مباحث نظری
۵۸	۲.۳.۳. مطالعات تجربی
۶۳	۴.۳. ارتباط میان تورم و توزیع درآمد
۶۳	۱.۴.۳. مباحث نظری
۶۳	۱.۱.۴.۳. اثرات توزیعی تورم بر درآمد
۶۹	۲.۴.۳. مطالعات تجربی
۶۹	۱.۲.۴.۳. مطالعات انجام شده در ایران

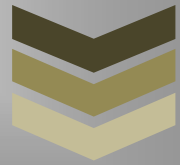
۷۱.....	۵.۳. مروری بر مطالعات تجربی انجام شده در زمینه فقر
۷۱.....	۱.۵.۳. مطالعات انجام شده در ایران
۹۹.....	۶.۳. جمع بندی
۱۰۱.....	۱.۴. مقدمه
۱۰۱.....	۲.۴. بررسی روند تورم در ایران در سالهای پس از انقلاب
۱۰۱.....	۱.۲.۴. پس از انقلاب و شرایط بعد از جنگ
۱۰۴.....	۲.۲.۴. طی برنامه اول توسعه و سال ۱۳۷۳
۱۰۷.....	۳.۲.۴. طی برنامه دوم توسعه
۱۰۹.....	۴.۲.۴. طی برنامه سوم توسعه
۱۱۱.....	۵.۲.۴. طی برنامه چهارم توسعه
۱۱۳.....	۳.۴. بررسی روند شاخص های فقر در مقایسه با رشد و نابرابری در ایران
۱۱۳.....	۱.۳.۴. پس از انقلاب و شرایط بعد از جنگ
۱۱۵.....	۲.۳.۴. طی برنامه اول توسعه
۱۱۸.....	۳.۳.۴. طی برنامه دوم توسعه
۱۲۱.....	۴.۳.۴. طی برنامه سوم توسعه
۱۲۳.....	۵.۳.۴. طی برنامه چهارم توسعه
۱۲۶.....	۴.۴. جمع بندی

فصل پنجم: ارائه مدل، داده ها و یافته های تحقیق

۱۲۸.....	۱.۵. مقدمه
۱۲۸.....	۲.۵. معرفی داده ها و بیان متدولوژی
۱۲۹.....	۳.۵. بررسی شرایط مانایی متغیرهای تحقیق
۱۳۱.....	۴.۵. برآورد مدل و ارائه یافته های تحقیق
۱۳۱.....	۱.۴.۵. اثر تغییرات شاخص کل بهای مصرف کننده بر فقر
۱۳۲.....	۲.۴.۵. اثر تورم در مخارج تأمین خوراک بر فقر
۱۳۳.....	۳.۴.۵. اثر تورم در مخارج تأمین پوشاک بر فقر
۱۳۴.....	۴.۴.۵. اثر تورم در مخارج تأمین مسکن، سوخت و روشنایی بر فقر
۱۳۶.....	۵.۵. جمع بندی، نتیجه گیری و توصیه های سیاستی
۱۴۰.....	منابع و مآخذ:

فصل اول:

کلیات تحقیق



۱.۱. مقدمه

همواره از میان متغیرهای کلان اقتصادی، متغیر تورم و از بین متغیرهای عمده اجتماعی، پدیده فقر از اهمیت خاصی در نظر سیاست‌گذاران جوامع مختلف برخوردار بوده‌اند. رابطه بین این دو پدیده هم با توجه به تعریف تورم به عنوان افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و هم با عنایت به وجود همبستگی مثبت بین نرخ تورم و میزان فقر در جامعه قابل توجه به نظر می‌رسد. در این خصوص نظرات گوناگونی از جانب صاحب نظران اقتصادی ارائه شده است:

بعضی از اقتصاددانان معتقدند که وجود یک تورم ملایم در سیستم اقتصادی باعث تأثیرات مثبتی بر اوضاع اقتصادی از طریق متغیرهای واسط می‌شود. در این دیدگاه ادعا می‌شود که اولاً، تورم برای قشرهای کم درآمد نوعی کمک محسوب می‌شود چرا که غالباً در ترازنامه اقشار کم درآمد، میزان بدهی‌ها از درآمد بالاتر بوده و بنابراین بروز تورم باعث می‌شود که بازپرداخت این بدهی‌ها آسان‌تر صورت پذیرد. البته باید توجه داشت که این امر در صورتی صحیح است که گروه‌های کم درآمد به منابع مالی گسترده‌ای دسترسی داشته و بتوانند از آنها استقراض کنند تا بعداً، از طریق تورم، قدرت بازپرداخت ایشان افزایش یابد. و حال آنکه در نظام‌های اقتصادی، این گروه‌های کم درآمد به نظام‌های بانکی کشور دسترسی چندانی ندارند. از این رو در چنین حالتی باز توزیع ثروت از طریق تورم قابل تصور نیست.

ثانیاً، بر اساس مدل فیلیپس رابطه معکوسی بین تورم و بیکاری فرض شده است، بدین ترتیب که سطوح بالای تورم، موجب کاهش بیکاری و افزایش بیکاری موجب کاهش تورم می‌گردد. با توجه به اینکه بیکاری یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر سطح و میزان فقر در جامعه است، بالا رفتن نرخ تورم می‌تواند از طریق کاهش نرخ بیکاری به بهبود وضعیت توزیع درآمد و کاهش فقر کمک کند. این مدل که برای کشورهای صنعتی و پیشرفته طراحی شده بود بر اساس شواهد تجربی رد شده است. اما عمده‌ترین قضاوت‌ها در زمینه ارتباط بین تورم و فقر از نگرش بدبینانه‌ای پیروی می‌کند. در کشورهایی مانند ایران که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد و تغییرات عمده حجم نقدینگی توسط دولت صورت می‌پذیرد، تورم نوعی پس انداز اجباری تلقی می‌شود، که به تملک دولت در

می‌آید. در اصطلاح به این پس‌انداز مالیات تورمی اطلاق می‌شود. در واقع دولت با افزایش حجم نقدینگی و ایجاد تورم، از مردم نوعی مالیات به صورت افزایش قیمت می‌گیرد و نوعی جریان انتقال ثروت از سوی کسانی که درآمدهای ثابت دارند به سوی کسانی که افزایش حجم نقدینگی به آن‌ها تعلق می‌گیرد ایجاد می‌گردد، که این روند از طریق گسترش اعتبارات صورت می‌پذیرد و باعث تشدید معضلات اقتصادی و گسترش فقر در جامعه می‌گردد. بحث مالیات تورمی و کسب درآمد توسط دولت از محل چاپ پول، که نخستین بار توسط فریدمن در سال ۱۹۵۳ طرح گردید به این دلیل مطرح می‌شود که دولت از حق قانونی خود برای انتشار اسکناس استفاده می‌نماید و کسری بودجه خود را با انتشار پول و افزایش پایه پولی تأمین مالی می‌کند. به این منبع درآمد «حق‌الضرب پول» یا «مالیات تورمی» می‌گویند. در مورد رابطه تورم و فقر، نوع خاصی از آن قابل تصور است که البته آثار سیاسی و امنیتی آن منفی خواهد بود. توضیح آنکه تورم خصلتی خود کنترل‌کننده دارد. این خصلت زمانی بروز می‌کند که اجازه بروز فقر گسترده و عمیق در اقتصاد کشور داده شود و هیچ‌گونه سیاستی از سوی دولت در جهت رفع فقر اعمال نگردد. به این ترتیب، فشارهای تقاضا از سوی قشر فقیر کاهش یافته و گروه ثروتمند جامعه نیز از طریق اشباع تقاضای مصرفی و کاهش شدید میل نهایی به مصرف (MPC)، به علت عدم وجود انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری، به انباشت سرمایه مبادرت ورزیده و در نهایت تقاضا کاهش یافته و منجر به کاهش شدید تورم در سطح جامعه خواهد شد. باید توجه داشت که در این صورت فقط نوعی انتقال تهدیدات امنیتی از حوزه تورم به حوزه فقر صورت خواهد گرفت و در نتیجه، احتمال تشدید بحران بر اثر تعمیق شکاف توزیع درآمد افزایش خواهد یافت.

۲.۱. بیان مسئله

تورم در ایران از اوایل دهه ۱۳۵۰ به صورت جدی پدیدار گشت و تا اواخر این دهه تحت تأثیر عوامل ساختاری مانند تکیه بر درآمدهای نفتی در قالب برنامه‌های مالی، عدم تعادل در تجارت خارجی، عدم تعادل در بافت بودجه دولت، عدم تعادل در ترکیب بخش‌های اقتصادی، عدم تعادل بین مناطق اقتصادی کشور، دوگانگی شیوه تولید، فقدان حلقه‌های واسط در زنجیره تولید و عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد و ثروت ادامه داشت و موجب بروز فشارهای تورمی در جامعه گردید، که آثار آن در عدم موازنه بین رشد نقدینگی و تقاضای موثر و رشد عرضه کل ظاهر گشت و از

طریق تورم وارداتی و فشار هزینه‌های تولید شدت یافت. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به علت فقدان برنامه‌های جامع رشد و توسعه اقتصادی، جنگ تحمیلی و نوسانات شدید درآمدهای ارزی، اقدامات ریشه‌ای جهت اصلاح نظام اقتصادی و رفع عدم تعادل‌های آن صورت نگرفت و لذا به علت حفظ و تداوم ساختار وابسته به نفت و عدم تعادل‌های حاکم بر اقتصاد کشور، سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، افزایش هزینه‌های تولید، تورم وارداتی، نارسایی‌های سیستم توزیع، عوامل روانی و ... گرایش‌ها و فشارهای تورمی شدید در جامعه ظاهر گشت که هنوز هم ادامه دارد. در میان این نابسامانی‌های ایجاد شده در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور، تغییر و تحولات ایجاد شده در رفاه و سطح معیشت مردم، از جمله مواردی است که بازخورد و تبلور آن در جامعه به طور ملموس - تری نسبت به سایر تغییرات ایجاد شده در کشور قابل ارزیابی است. به نظر می‌رسد تنزل وضعیت رفاهی و معیشتی اقشار مختلف جامعه می‌تواند سرآغاز سایر مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی در کشور باشد. لذا به نظر می‌رسد که بررسی نحوه تعامل و اثرگذاری افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بر متغیر فقر به عنوان نقطه اتصال تغییر و تحولات اقتصادی به عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و ... از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

بنابراین در مطالعه حاضر بر آنیم تا به بررسی و ارزیابی آثار تورم بر روی مقوله فقر در ایران با تأکید بر دو کانال اصلی رشد و توزیع درآمد به عنوان اصلی‌ترین کانال‌های موجود در این زمینه، پردازیم.

۳.۱. اهمیت، ضرورت و هدف از انجام این تحقیق

در کشور ما در گزارش‌هایی که وضعیت کلان اقتصادی را بررسی می‌کنند کمتر به ابعاد نابرابری‌های درآمدی و ارتباط متقابل آن‌ها با دیگر متغیرهای اقتصادی توجه می‌نمایند. علاوه بر این تولید آمارهای مربوط به توزیع درآمد بسیار کم اهمیت‌تر از داده‌های حساب‌های ملی تلقی می‌شود و به سازماندهی داده‌های مزبور، توجه کافی مبذول نمی‌گردد. در واقع، فقر را نمی‌توان تنها از زاویه ساختار اقتصادی بررسی نمود، چرا که تأثیر و تأثرات این پدیده، تمام ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور را شامل می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که دو دهک پایینی جامعه فقط ۴/۷۱۲ درصد از کل هزینه‌ها و ۲۰ درصد بالایی جامعه ۴۸/۱۲۲ درصد آنها را به خود اختصاص داده اند که این نشان دهنده شکاف وسیع و عمیق بین دهک‌های پایین و بالای جامعه است به طوری که متوسط هزینه یک

خانوار در بالاترین دهک درآمدی حدود ۲۰ برابر پایین‌ترین دهک است. همین نسبت برای جامعه شهری ۱۵ و برای جامعه روستایی نیز ۲۰ است (مروج خراسانی، ۱۳۸۷، ۱۲).

با توجه به موارد یاد شده، و همچنین دیگر مشکلات ناشی از فقر در ایران، و به خصوص در مناطق محروم، در این تحقیق بر آنیم تا به یکی از دلایل اصلی و مهم بروز این پدیده، یعنی تورم بپردازیم.

۴.۱. سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

مهم‌ترین سؤالاتی که در خلال این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن‌ها هستیم عبارتند از:

آیا تورم موجود در ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، بر وضعیت فقر در این کشور اثر گذار بوده است؟

روند تغییرات فقر در دوره مورد مطالعه با روند تغییرات نرخ تورم در ایران هم سویی داشته است یا خیر؟

۵.۱. روش انجام پژوهش

روش انجام پژوهش در این مطالعه از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است که به دلیل استفاده از مبانی نظری خاص این نوع تحقیقات و همچنین روش‌های کمی مانند اقتصادسنجی، در اغلب مطالعات مربوط به حوزه اقتصاد کلان، مرسوم‌ترین روش پژوهشی به شمار می‌رود.

داده‌های مربوط به نرخ تورم، شاخص‌های مربوط به اندازه‌گیری خط فقر، و دیگر آمارهای مرتبط که عموماً به صورت سری زمانی در این تحقیق مورد نیاز هستند، از منابعی همچون بانک مرکزی و مرکز آمار ایران قابل تهیه می‌باشند. که از کانال‌هایی همچون مراجعه به مراکز اسنادی این نهادها و یا پایگاه‌های اینترنتی این سازمان‌ها قابل دسترسی اند.

۶.۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

سازماندهی مطالب در این تحقیق بدین منوال است که ابتدا پس از بیان کلیاتی پیرامون فقر و تورم و عوامل بروز آن‌ها در ایران، به بررسی تجربی و نظری ادبیات موجود در این حوزه‌ها پرداخته و سپس

داده‌ها و اطلاعات جمع آوری شده از منابع مذکور را با استفاده از روش‌ها و فنون اقتصادسنجی مورد پردازش قرار داده و نتایج حاصله را با انتظارات نظری مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌دهیم و سرانجام بر پایه همین یافته‌ها اقدام به نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی می‌نماییم.

۷.۱. قلمرو تحقیق

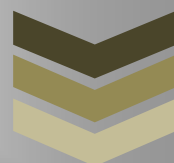
در این مطالعه سعی می‌شود ابتدا دو موضوع تورم و فقر به صورت جداگانه تبیین، و سپس در مرحله بعد، ارتباط میان این دو متغیر و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر با استفاده از ابزارها و فنون علم اقتصادسنجی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. همچنین با عنایت به مطالعه موردی کشور ایران در این تحقیق، قلمرو مکانی این پژوهش ملی و دوره زمانی برگزیده در این تحقیق، سال‌های پس از انقلاب اسلامی است.

۸.۱. سازماندهی تحقیق

بر اساس مطالب یاد شده در فوق، ساختار این پایان‌نامه در پنج فصل تنظیم گردیده است: در فصل اول، چنانکه گفتیم، کلیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم مروری خواهیم داشت بر تعاریف و مفاهیم موجود پیرامون دو پدیده فقر و تورم تا زمینه برای ورود به مباحث نظری در این حوزه که موضوع فصل سوم این تحقیق است فراهم شود. در این فصل که تحت عنوان کلی ادبیات موضوع نام‌گذاری شده است، روال کلی بدین منوال است که ابتدا مبانی نظری و مطالعات انجام شده در حوزه ارتباط تورم با دو پدیده رشد اقتصادی و توزیع درآمد را از نظر خواهیم گذراند، و سپس در ادامه این فصل به مبانی نظری و کاربردی موجود در زمینه فقر با تأکید بر دو عامل رشد و توزیع درآمد خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که در این زمینه مطالعات مبسوطی درباره فقر صورت گرفته است که به منظور تفکیک بهتر آن‌ها، این مطالعات را بر حسب حوزه کارکردی و منشأ اثرات فقر به دسته‌های گوناگونی تقسیم بندی نمودیم. در فصل چهارم با توجه به قلمرو مکانی و زمانی تحقیق (بررسی موضوع برای کشور ایران در طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۸۶) اقدام به ارائه تصویری از تورم و فقر در ایران در طی دوره مورد مطالعه نمودیم؛ و در نهایت در فصل پنجم و پایانی این تحقیق پس از معرفی، تصریح و تخمین مدل اقتصادسنجی که مبنای آزمون تجربی این تحقیق به شمار می‌رود، اقدام به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی نمودیم.

فصل دوم: مروری بر

تعاریف و مفاهیم تحقیق



۱.۲. مقدمه

در این فصل به منظور روشن نمودن هرچه بهتر زوایای مختلف پدیده فقر و تورم عمده‌ترین تعاریف و مفاهیم موجود در این دو حوزه را شناسایی و نسبت به معرفی آن‌ها اقدام نموده‌ایم. در این رابطه بخش اول به بحث تورم می‌پردازد که در آن مفاهیمی همچون تعریف تورم، اشکال مختلف تورم و نظریات اقتصادی موجود در خصوص آن ارائه شده‌اند. در قسمت بعد به معرفی فقر، خط فقر، روش‌های اندازه‌گیری فقر، معیارهای اندازه‌گیری فقر، شاخص‌های فقر و همچنین نظریات پیرامون عوامل ایجاد کننده آن پرداخته‌ایم. به نظر می‌رسد ارائه این مفاهیم و تعاریف زمینه را برای ورود به بخش ادبیات موضوع تحقیق که به طور گسترده‌ای در بردارنده مفاهیمی از این دست می‌باشد، آماده می‌کند.

۲.۲. تورم

۱.۲.۲. تعریف تورم

تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها، به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. یک نکته حائز اهمیت در تعریف تورم عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. بدین معنا که قیمت‌ها باید به صورت مداوم در طی زمان افزایش داشته باشند. اگر قیمت‌ها در یک دوره خاص افزایش یابند و سپس این روند صعودی قطع شود به این فرایند تورم اطلاق نمی‌شود، چرا که افزایش صعودی در قیمت‌ها باید تداوم داشته باشد (نفضلی، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

تورم، که بعضی آن را «اختراع قرن بیستم» نامیده‌اند، یک پدیده نامطلوب اقتصادی محسوب می‌شود، زیرا مطلوبیتی را که از خرج یک مقدار درآمد پولی به دست می‌آید، کاهش می‌دهد و موجب تشدید عدم تعادل‌های موجود در الگوی توزیع درآمد و تعمیق بی‌عدالتی و تشدید نابرابری‌های اجتماعی می‌گردد. به طور خلاصه، تورم به تعبیر متداول «فقرا را فقیرتر و اغنیا را غنی‌تر می‌سازد» چرا که قدرت خرید افراد جامعه را به نفع ثروتمندان به طور مستمر کاهش می‌دهد. تورم برای ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه خطرناک بوده و می‌تواند تنش‌های سیاسی و اجتماعی شدیدی

ایجاد نماید؛ لذا دولت‌ها نسبت به آن حساس بوده و مقابله با تورم و ثبات قیمت‌ها را یکی از اصلی‌ترین اهداف برنامه خود قرار می‌دهند (رازدان، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

۲.۲.۲. اشکال تورم

در ادبیات مربوط به تورم، این پدیده را از منظرهای گوناگونی مورد طبقه بندی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. اما به طور کلی می‌توان تورم را از دو جنبه نحوه اثر گذاری و منشأ اثر گذاری مورد طبقه بندی قرار داد.

۱.۲.۲.۲. انواع تورم از نظر نحوه اثر گذاری

۱.۱.۲.۲.۲. تورم تعدیلی

تورم تعدیلی عبارت است از تورم ناشی از سیاست‌های تعدیل موقت و گذرا. این شکل تورم اصطلاحاً می‌تواند به یک سری حساب‌های تورمی زود گذر اطلاق گردد. به عنوان مثال در مورد ایران که اتکا زیاد به درآمدهای نفتی دارد، تغییر رابطه مبادله می‌تواند به واسطه کاهش یا افزایش بهای نفت به تورم تعدیلی منجر شود. به همین نحو، افزایش قیمت کالاها و خدمات عرضه شده توسط دولت می‌تواند منجر به ایجاد نوعی تورم تعدیلی در اقتصاد شود (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

۲.۱.۲.۲.۲. تورم مارپیچی (حلزونی)

تورم مارپیچی یا حلزونی که شوک اولیه آن می‌تواند از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی یا کاهش ارزش پول ملی باشد و در پی آن در اثر کنش و واکنش، قیمت‌های بالاتر به دستمزدهای بالاتر منجر شده و هزینه تولید بالاتر، قیمت‌های بالاتر را به دنبال داشته باشد و حلقه‌هایی از این نوع تورم ایجاد کند. چنین فرآیندی تنها زمانی می‌تواند ادامه یابد که عرضه پول به طور مداوم افزایش یابد (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۵۷).

۳.۲.۲.۲. تورم پولی

تورم پولی ناشی از رشد بی رویه عرضه پول در اثر کسری بودجه مزمن دولت است. بدین صورت که، تورم چه ملایم باشد و چه شدید، بدون توجه به برخی ملاحظات دربارهٔ اوضاع مالی دولت قابل درک نخواهد بود.

باید توجه داشت که تمایز سه شکل تورم به این معنا نیست که این اشکال لزوماً جمع ناپذیرند. مثلاً نقدینگی می‌تواند ناشی از کسری مالی دولت یا ناشی از یک سیاست پولی انبساطی برای کاهش اثرات رکودی، افزایش قیمت واردات یا افزایش قیمت ناشی از افزایش سطح دستمزدها باشد. به همین ترتیب، انبساط پولی می‌تواند در اثر انباشت ذخایر ارزی پدید آید و نتیجتاً تأثیراتی را در کل سیستم اقتصادی ایجاد کند و باعث شود که سه شکل تورم توأماً ظاهر شوند. (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

۲.۲.۲.۲. انواع تورم از نظر منشأ اثرگذاری

۱.۲.۲.۲.۲. تورم ناشی از فشار تقاضا

تورم ناشی از فزونی تقاضای کل نسبت به کل جریان کالا و خدمات ایجاد شده در اقتصاد که همه عوامل تولید را با ظرفیت کامل بکار گرفته باشد. هر گاه تقاضای مصرف‌کنندگان دولت و بنگاهها برای کالاها و خدمات بر عرضه موجود فزونی گیرد قیمت‌ها در اثر این عدم تعادل افزایش خواهد یافت. در اصل افزایش قیمت باید تقاضای اضافی را از میان بردارد و بار دیگر تعادل برقرار سازد و براین اساس باید برای گرایش مستمر به سوی تورم، که ویژگی بسیاری از اقتصادهای پس از جنگ شده است، توصیفی یافت. یکی از نظریه‌های رایج در این باره مازاد مستمر تقاضا را ناشی از سیاست دولت می‌داند. بنا بر این نظریه در حالی که مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها به هنگام افزایش قیمت‌ها تقاضای خود را کاهش می‌دهند، دولت به دلیل توانایی اش در تأمین مالی مخارج خود از محل ایجاد

پول، می‌تواند میزان مخارج خود را به ارزش واقعی حفظ کند یا حتی افزایش دهد. در نتیجه این اقدام نه تنها میل مستمر به تورم بوجود می‌آید بلکه سهم بخش دولتی از کل منابع موجود در اقتصاد نیز افزایش می‌یابد.

۲.۲.۲.۲. تورم ناشی از فشار هزینه

تورمی که مستقل از تقاضا صرفاً از افزایش هزینه‌های تولید ناشی می‌شود. مثال بارز چنین تورمی را در تمام کشورهای صنعتی غرب پس از افزایش استثنایی بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ می‌توان دید. برخی اقتصاددانان معتقدند که متداولترین منبع تورم فشار هزینه قدرت اتحادیه‌های کشوری است که اضافه دستمزدی بیش از افزایش بازدهی بدست می‌آورند و این خود در یک مارپیچ تورمی موجب افزایش قیمت‌ها و متقابلاً تقاضا برای دستمزد بیشتر می‌شود. منتقدان این نظریه استدلال می‌کنند که اگر اتحادیه‌های کارگری هنگامی موفق به افزایش دستمزد شوند که سطح تقاضای کل برای جبران آن به اندازه‌ی کافی افزایش نیافته باشد گرایش‌هایی در جهت افزایش بیکاری بوجود خواهد آمد که اثرات رکودی بر اقتصاد خواهد داشت. چنین فرایندی نمی‌تواند به طور نامحدود ادامه یابد و بنابراین تورم فشار هزینه یقیناً نمی‌تواند بیان‌کننده تورم مزمنی باشد که کشورهای اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم به آن دچار شدند. لذا افزایش قیمت را، در مرحله نخست، یا باید حاصل تقاضای اضافی یا حاصل بالا بردن کل تقاضای پولی برای جلوگیری از بیکاری دانست.

۳.۲.۲.۲. تورم ناشی از انتقال تقاضا

نظریه‌ای عناصر تورم فشار تقاضا و فشار هزینه را با هم ترکیب می‌کند و تغییر در ساخت تقاضای کل را دلیل تورم می‌شمارد. هر گاه اقتصاد دچار انعطاف ناپذیری‌های ساختاری باشد، گسترش برخی صنایع با افول برخی دیگر از صنایع همراه خواهد بود و عوامل تولید را به آسانی نمی‌توان به بخش‌های تولیدی انتقال داد. از این رو برای جذب وسایل تولید به سوی صنایع در حال گسترش باید قیمت‌های بالاتری پرداخت شود. در نتیجه کارگران بخش‌های افول‌یابنده خواستار دستمزدی برابر با کارگران دیگر بخش‌ها می‌شوند و ترکیب این عوامل به تورم می‌انجامد.

۳.۲.۲. نظریات اقتصادی در خصوص منشأ تورم

۱.۳.۲.۲. نظریه مقداری پول

قبل از انتشار کتاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» نوشته جان مینارد کینز در میان اقتصاددانان یک اتفاق نظر عمومی در خصوص علل ایجاد کننده تورم وجود داشت. این اقتصاددانان بر اساس نظریه معروف اقتصادی موسوم به «نظریه مقداری پول» منشأ ایجاد تورم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. در خصوص این نظریه دو تفسیر وجود دارد که به صورت اجمالی در خصوص هر یک بحث می‌کنیم.

۲.۳.۲.۲. معادله مبادله فیشر

ایروینگ فیشر^۱ تجزیه و تحلیل خویش را از طریق رابطه مبادله^۲ آغاز می‌نماید:

$$Mv = Py \quad (1-2)$$

که در آن M حجم کل ذخایر پول، v سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و y سطح محصول تولید شده در اقتصاد را نشان می‌دهد.

بر اساس این نظریه با فرض اینکه سرعت گردش پول و تولید ثابت می‌باشند، هرگاه حجم پول در اقتصاد X درصد بالا رود قیمت‌ها نیز به همان نسبت (X درصد) افزایش خواهند داشت. تحلیل افزایش متناسب قیمت‌ها بدین صورت است که افزایش حجم پول سبب می‌شود که در اقتصاد نسبت به مقدار نقدینگی که برای مبادله در اشتغال کامل لازم است اضافه پول به وجود آید، ذخایر پولی تدریجاً خرج می‌شوند و از آنجا که سطح محصول و سرعت گردش پول در اقتصاد ثابت می‌باشد سطح عمومی قیمت‌ها به همان میزان افزایش می‌یابد تا اینکه ذخایر اضافی از بین برود. (گرچی، ۱۳۷۰، ص ۹۴).

1- Irving fisher
2- Equation of exchange

۳.۳.۲.۲. معادله کمبریج

شق دیگری از فرمول بندی نظریه مقداری پول که در بسیاری از موارد اقناع کننده تر می باشد، شکلی است که توسط اقتصاددانان دانشگاه کمبریج مطرح شده است. این معادله را از نظر ریاضی می توان به صورت زیر نوشت:

$$M = kPy \quad (2-2)$$

اقتصاددانان مکتب کمبریج نیز همان فرضیات مدل فیشر را پذیرفته (ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول) و بنابراین فروض، نتیجه حاصله توسط فیشر در این مکتب نیز به راحتی قابل استخراج می باشد. به این شکل که هر تغییری در حجم پول به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت ها منجر می شود.

۴.۳.۲.۲. نظریه جدید مقداری پول (پولیون)

به طور کلی می توان مکتب پولی را به دو گروه تقسیم کرد، مکتب پولی شماره یک و مکتب پولی شماره دو. مکتب پولی شماره یک با اعتقاد به شکل گیری انتظارات بر اساس انتظارات تطبیقی^۱ معتقدند سیاست های پولی در کوتاه مدت بر سطح تولید و سایر متغیرهای حقیقی اثر گذار است ولی در بلندمدت پول را عاملی خنثی معرفی می کنند. این مکتب را به طور کلی می توان به رغم وجود نگرش های متفاوت دارای چارچوب های نظری مشخص زیر دانست:

۱. بخش خصوصی ذاتاً پایدار است.

۲. هر میزانی از رشد عرضه پول با سطح تعادلی اشتغال کامل سازگار است.

۳. هر افزایشی در حجم پول ابتدا سطح تولید و اشتغال را متأثر می نماید و آثار حقیقی در بلندمدت ناپدید گشته و تنها نرخ تورم بلندمدت به طور دائمی افزایش می یابد.

1 - Adaptive expectations